

نشریه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی  
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۵X-۲۵۳۸  
[http:// www.JSHSPiaurasht.ac.ir](http://www.JSHSPiaurasht.ac.ir)  
دوره شانزدهم، شماره ۴ (پیاپی ۵۷)، زمستان ۱۴۰۰  
صص. ۷۷۹-۷۷۹

## نقشه‌برداری ذهنی از فضای سوم-زیسته شهر؛

### مطالعه‌ای تطبیقی از ساکنان سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی شهر رشت

حمید رخساری\* - دانشجوی دکترا جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران  
مریم جعفری مهرآبادی - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران  
حسین حاتمی نژاد - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۰

## چکیده

**مقدمه:** فضای سوم شهر همان فضای زیسته، اجتماعی یا جایگزین شهر است. این فضا در نقشه‌های ذهنی به‌عنوان فضای اجتماعی-فرهنگی شهر؛ سومین بعد در مطالعات نقشه‌های ذهنی است که موردتوجه پژوهشگران شهری قرار گرفته است. **هدف:** در این پژوهش با توجه به این رویکرد در مطالعات نقشه‌های ذهنی به بررسی فضایی سوم-زیسته شهر رشت نزد ساکنان سکونتگاه‌های رسمی منطقه یک و غیررسمی منطقه چهار شهری پرداخته شده است. **روش شناسی تحقیق:** در این پژوهش حجم نمونه ۶۰ نفر از دو گروه ساکنان سکونتگاه‌ها با نمونه‌گیری نظری موردبررسی قرار گرفته‌اند. روش برداشت اطلاعات شامل «مصاحبه و مشاهده» بوده است؛ که نوع اطلاعات برداشتی شامل: نقشه‌های کروکی، یادداشت‌برداری و عکس‌برداری بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از روش‌های تجزیه و تحلیل نقشه‌برداری جی‌آی‌اس کیفی (QGIS) در زیر تحلیل فعالیت‌های فضای-زمانی پرداخته شده است. **یافته‌ها و بحث:** نتایج پژوهش حکایت از این است که، با توجه به نقشه‌های ذهنی این دو گروه ساکنان؛ گسترش نقش و جایگاه طبقه در «تولید اجتماعی فضا» مساله‌آفرین بوده است. آنچه از فضای سوم-زیسته شهر رشت در نقشه‌های ذهنی قابل‌بازنمایی است، تقسیم شهر به دو قطب فقیرنشین و ثروتمند نشین بوده است که دوگانگی سنت و مدرنیته در بسیاری از فعالیت‌های ساکنان در ارتباط با فضای آگاهی ذهنی آنان از شهر به چشم می‌خورد.

**واژه‌های کلیدی:** نقشه ذهنی، فضای سوم-زیسته، جی‌آی‌اس کیفی، سکونتگاه‌های غیررسمی، رشت

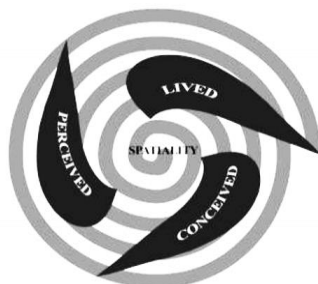
#### نحوه استناد به مقاله:

رخساری، حمید، جعفری مهرآبادی، مریم و حاتمی نژاد، حسین. (۱۴۰۰). نقشه‌برداری ذهنی از فضای سوم-زیسته شهر؛ مطالعه‌ای تطبیقی از ساکنان سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی شهر رشت. *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۶(۴)، ۷۷۹-۷۹۸.  
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.25385968.1400.16.4.3.2>

## مقدمه

نقشه‌های ذهنی نقش اساسی در بازنمایی و درک دانش فضایی زیست افراد دارند. آن‌ها ابزاری هستند که با مهارت، فن‌آوری، روش‌های خاصی به‌منظور ضبط و تکثیر فضا ایجاد می‌شوند. در اواخر دهه ۱۹۶۰، نقشه‌برداری جوامع به‌عنوان تکنیک‌ها و ابزارهای انتقادی جنبش رادیکالی ظهور کرد (Crampton & Krygier, 2006: 13). نقشه‌برداری ذهنی تا حد زیادی به‌عنوان واکنشی به جبرگرایی اقتصادی؛ توسط محققانی که مایل به اثبات انتقادی از تأثیر برنامه‌ریزی مدرنیستی بر شهرهای آمریکا بودند، نشأت‌گرفته شده است (Mazer & Rankin, 2011: 825). در این دهه گای دبور در پاریس و کوین لینچ در شهرهای ایالات‌متحده با کمک نقشه‌برداری ذهنی به تشریح زندگی جوامع شهری مدرن پرداختند. لذا در چند دهه‌ی گذشته منتقدان، چنین تحقیقاتی را به دلیل فراموش‌شدن بازنمایی فضای حاکم بر روی این نقشه‌ها موردانتقاد قرار دادند؛ تحقیقات نقشه‌برداری ذهنی محققانی چون کوین لینچ و پیروانش بعد فضای اول-عینی و دوم-ذهنی را در نظر گرفته‌اند و از رسیدن به بعد سوم فضا به‌عنوان فضای زیست اجتماعی مانده‌اند (Csapo & Balogh, 2011: 139). مفهوم نقشه‌برداری ذهنی پیشنهاد شده توسط پژوهشگرانی چون؛ فردریک جیمسون و کانیشکا گونواردنا شامل انتقال تجزیه‌وتحلیل فضایی پژوهش کوین لینچ به قلمرو ساختار اجتماعی و نمایان ساختن مسئله تجربه روزمرگی زیست شهری بوده است. هدف این نظریه‌پردازان برون‌رفتی از تحلیل مکانی-فضایی به قلمرو ساختار اجتماعی-فرهنگی بود، با این انتظار که نقشه‌برداری ذهنی، از طریق بازنمایی ادراک مردم از فضای شهر، به فاش کردن نقش ساختارهای اجتماعی در تولید فضای شهری توجه خود را به تئوری فضای سوم-زیسته در مطالعات شهری معطوف می‌سازد (Damayanti & Kossak, 2016: 58). تئوری فضای سوم از سنت اجتماعی فرهنگی در روانشناسی آمده است که بر اساس نظریه لو ویگوتسکی، هومی جی. بهابها، ادوارد سعید برای نخستین بار طرح شده است. از منظر این پژوهشگران فضای سوم با روش‌های علمی فرهنگی-اجتماعی به نقش مهم فرهنگ در ذهن می‌پردازد؛ یعنی نحوه توسعه ذهن با ترکیب مصنوعاتی که جامعه در انسان‌ها به اشتراک می‌گذارد و این‌ها نسل به نسل انباشته می‌شود و در ارتباط با بازنمایی جریان فرهنگی از دید اجتماعی است (Bhabha, 2004: 56). فضای سوم؛ در واقع فضایی است که انسان به آن معنی می‌دهد. فضای سوم یک شیوه تفکر درباره تولید اجتماعی فضا توسط انسان است که در ارتباط با چشم‌اندازهای فضای عینی و ذهنی-فضای اول و دوم-به‌صورت رابطه‌ای به کار می‌رود. ولی در عین حال، طرح و پیچیدگی تصور جغرافیایی یا فضایی را ایجاد می‌کند. این فضا، نه تنها برای انتقاد تفکرات مربوط به فضای نخست و دوم، بلکه برای تقویت رویکردهای آن‌ها در شناخت فضایی با امکانات جدیدی که تاکنون در علوم فضایی سنتی اندیشه نشده، مطرح شده است (Thrift et al, 2003: 95). در این رابطه سه‌گانه فضا، از سه مفهوم مختلف تشکیل شده است. اولین بعد «عملی فضایی» است که به‌عنوان «فضای ادراک‌شده» نیز شناخته می‌شود. این فضای فیزیکی اطراف ماست که شرایط مادی را برای جامعه ما ایجاد می‌کند. بعد دوم «بازنمایی فضا» است که به‌عنوان «فضای تصور شده» نیز شناخته می‌شود. این فضای است که ما آن را به‌صورت ذهنی تصور می‌کنیم. بعد سوم «فضاهای بازنمایی» است که به‌عنوان «فضای زیسته» نیز شناخته می‌شود (شکل ۱ و ۲). این همان فضای سوم است که با دو بعد فضایی پیشین خود غیر متمایز و رابطه مند است. در این فضا روابط اجتماعی ما صورت می‌گیرد و ما آن را در زندگی روزمره به‌طور جدی تجربه می‌کنیم (Soja, 1996: 70). در چشم‌انداز فضای سوم ویژگی‌های فضای شهری به‌عنوان فضایی کاملاً زیسته بررسی می‌شود. این فضا، فضای زیست‌کنندگان و کاربران است یعنی فضایی است که فارغ از اندیشه شهرسازی و برنامه‌ریزی تجربه می‌شود و گاهی جایگاه مقاومت در برابر فضای معقول است. به بیانی دیگر می‌توان گفت فضای زیسته، جایگاهی برای نه گفتن و پس زدن نیروهای سرکوبگر و نظم‌دهنده به فضا و بر اساس تجربه زیسته و شناختی که از زیستن در چنین فضایی حاصل می‌آید بستری برای خودگردانی می‌باشد (Merrifield, 2006: 145). فضاهای بازنمایی، فضاهای زندگی روزمره‌اند که ترکیب پیچیده و درهم، تنیده‌ای از مشخصه‌های دوگانه ذهنی و اجتماعی مثل جذب / دفع، دسترسی / رد، بیم، امید، آشنایی / ناآشنایی، باز / بسته و عمومی / خصوصی در آن‌ها بر هم، کنش دارند؛ در نتیجه آن‌ها فضاهای تولیدشده از سوی نیروهای فرهنگی و اجتماعی، نمادها، سنت، اسطوره، میل، رؤیاها و مواردی از این دست هستند (Zieleniec, 2007: 75) که در فضا عینیت می‌یابند. فضاهای بازنمایی ترکیب پیچیده و دهم تنیده‌ای از فاکتورهای دوگانه ذهنی و اجتماعی هستند. فضای بازنمایی سوار بر فضای فیزیکی خواهد بود. به بخش سری یا لایه‌های پنهان زندگی اجتماعی پیوند خورده‌اند این فضا، فضای فیزیکی را در برمی‌گیرد و از اُبژه‌های آن، استفاده

نمادین می‌کند. فضای سوم نه تنها دارای مادیت انضمامی است بلکه دربردارنده مفاهیم فکری، احساسی و تجربه زیسته است (Carp, 2008: 135-136). فضاهای بازنمایی ابداعات ذهنی با چشم اندازه‌های تخیلی و سازه‌های مادی نظیر محیط‌های مصنوع خاص هستند که معانی یا امکانات جدیدی را برای کنش‌های فضایی تصویر می‌کنند (Schmid, 2008, 36-37) این وجه برجهان زیست دلالت می‌کند؛ آن‌طور که از سوی انسان‌ها درکنش زندگی روزمره‌شان تجربه می‌شود. از این رو فضای "ساکتین" و "کاربران" است (Watkins, 2005: 213). این فضا برای شناخت رابطه قدرت و فضا و رابطه مسلط، تحت سلطه و مقاومت با اهمیت است. در شهرها فضاهایی چون: مراکز اجتماعات، کافی‌شاپ‌ها و کافه‌ها، رستوران‌ها، مراکز خرید، فروشگاه‌ها، بازارها، سالن‌ها و آرایشگاه‌های زیبایی، مراکز تفریحی، استخرها، سینماها، کلیساها، مدارس، دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها، کلپ‌ها و سازمان‌ها، کتابخانه‌ها، پارک‌ها، خیابان‌ها، خانه‌ها و آپارتمان‌ها و غیره می‌توانند واقعه فضای سوم را فراهم کنند. یک نمونه از فضای سوم می‌تواند یک بازار باشد. فضای اول، بازار را به‌عنوان یک منطقه جغرافیایی در مرکز شهر می‌بیند. در صورتی که فضای دوم آن را به‌عنوان مکانی که کالاها در آن فروخته و خریداری می‌شود در نظر می‌گیرد. با نگاه بازار از منظر فضای سوم، می‌توان بازار را مکانی دید که مردم برای معاشرت جمع می‌شوند (Maanen & Smit, 2012). آن‌ها با معاشرت به این فضا معنایی می‌بخشند و هر کس آن را به گونه متفاوت تجربه می‌کند. در اینجا بازار بسیار بیشتر از چیزی است که در دو فضای اول پذیرفته شده است. مردم برای ملاقات، معاشرت با یکدیگر، تماشای رویدادها یا کار به بازار می‌آیند. برای برخی افراد، بازار مانند خانه دوم احساس می‌شود و بخش بزرگی از زندگی اجتماعی آن‌ها بازار و اعضای مختلف آن است هر بازیگری در بازار داستان شخصی دارد و همه چیز را به روشی شخصی خود تجربه می‌کند.



شکل ۱. تریالکتیک فضا



شکل ۲. معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تریالکتیک فضا

(Teelucksingh, 2002: 122)

فضای سوم بر آن است که زیست هر فرد ترکیبی از مجموعه منحصر به فردی از پیوندهای فضایی-طبقه، قوم و خویش، محل سکونت نظیر محله، و غیره- دارد. که وضعیت فرد در محل و مکان‌ها در شرایط نمادین تبادل اجتماعی و فرهنگی بازتاب می‌یابد.

پیوندهای فضایی در «فضای زیسته» افراد مؤثر عمل است. به‌گونه‌ای که فضای سوم-زیسته می‌تواند برخی از پیچیدگی‌های پدیده فقر، محرومیت و مشارکت و غیره جوامع شهری را توضیح بدهد، و کمک می‌کند بفهمیم چه طرح‌هایی و برنامه‌هایی برای بهبود فقر، محرومیت، حاشیه‌ای و غیره مناسب است. به همین منظور، با توجه به‌ضرورت مسئله در این پژوهش سعی شده است در مطالعه‌ای تطبیقی جامعه ساکنان سکونتگاه‌های رسمی منطقه یک و غیررسمی منطقه چهار شهر رشت موردبررسی قرار بگیرد. و هدف آن بررسی و تحلیل الگوی فضای زیسته-اجتماعی مبتنی بر این دو جامعه شهری با روش نقشه‌برداری ذهنی در شهر رشت است. به‌گونه‌ای که در شهر رشت رشد سکونتگاه‌های غیررسمی منطقه چهار در چهارچوب برنامه‌ریزی‌های رسمی قرار نگرفته است که این خود موجب اسکان افشار با تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی با جامعه ساکنین اصلی شهر در برخی نواحی شهر رشت شده است (Pour Aghaei, 2006: 47). محلاتی چون جماران، پاسکیاب، استخر عینک و نخودچر به‌عنوان سکونتگاه‌های غیررسمی شهر رشت در منطقه چهار شهری بدون برنامه‌ریزی در اراضی نامرغوب با ساخت‌وسازهای غیرمجاز در دهه‌های مختلف ۵۰ و ۶۰ و ۷۰؛ تحت تأثیر عوامل گوناگون گسترش‌یافته است. این مناطق با طبقات اجتماعی مهاجر بومی و غیربومی، ساکنان روستایی پیوسته به منطقه شهری و گروه‌های کم‌بضاعت شهری را شامل می‌گردند. در مقابل این سکونتگاه‌های منطقه یک شهر رشت شامل مناطق توسعه‌یافته در شکل رسمی است. این منطقه شهری که در شمال غربی شهر قرار گرفته است؛ از اواخر دهه ۴۰ موردتوجه برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری و ساخت‌وساز بخش خصوصی قرار گرفته است. از محلات تازه توسعه‌یافته این منطقه می‌توان به محلاتی چون گلزار، بوسار، کاکتوس و ... اشاره کرد (Rokhsari, et al, 2019: 89). از ویژگی‌های افشار اجتماعی این منطقه شهری سکونت افرادی از طبقات متوسط و مرفه شهری بوده؛ که اکثراً بومی و غیر مهاجر و از نظر سطح تحصیلات، درآمد و تخصص شغلی در وضعیت مطلوبی قرار دارند. این دو نوع سکونتگاه در دو منطقه یک و چهار شهر رشت که هدف تحقیق حاضر قرار گرفته‌اند؛ در چند دهه اخیر جدا از همسته اولیه شهر رشت در تقابلی فضایی، تاریخی و اجتماعی به شکل نابرابر نمایان گشته‌اند. در رابطه با مسئله پژوهش بررسی ادبیات نشان می‌دهد که محققان نیز تلاش کرده‌اند که مطالعات نقشه‌برداری ذهنی را با مسائل فضا ارتباط دهند و ماهیتشان را به‌مثابه بازنمودی از فرایندهای اجتماعی موردبررسی قرار دهند (Mazer & Rankin, 2011: 825). به‌غیر از تغییرات معرفت‌شناسی در تحقیقات نقشه‌برداری ذهنی؛ این تحقیقات از نظر روش‌شناسی بر تلاش‌های چندمنظوره و رویکردهای مختلف تمرکز کرده‌اند. به صورتی که؛ روش‌های تحقیق دموکراتیک نقشه‌کشی کیفی/ذهنی از طرح‌های مداد و کاغذ (Lee, 1968 ; Ladd, 1970 ; Lynch, 1960 ; Maurer & Baxter, 1972; Haney & Knowles, 1978 ; Karan et al, 1980 ; Aberley, 1993 ; Al - Harris & Weiner, 1998 ; Kodmany, 2002 ; Cieri, 2003 ; Ceccato & Snickars, 2000 ; Matei et al, 2001 ; Pavlovskaya, 2002; Doran & Lees, 2005; Knigge & Cope, 2006; Kwan, 2008; Kohm, 2009; Niem et al, 2010; Coulton et al, 2011) تغییر روش داده‌اند. مطالعات پیتر اورلثان (۱۹۶۷) گود چایلد (۱۹۷۴) کاران و همکاران (۱۹۸۰) سورینا متایی (۲۰۰۱) به بررسی نقشه‌برداری ذهنی از فضای زیسته طیف گسترده‌ای از طبقات شهری پرداختند؛ نتایج این مطالعات نشان داده است که گروه‌های مختلف شهری تحت تأثیر ادراک خود از فضا استفاده متفاوتی می‌کنند، و این امر به‌نوبه خود با ایجاد مرزهای فرهنگی-اجتماعی در قلمرو زیست شهری منعکس می‌شود:

گرین و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی با کمک نقشه‌برداری ذهنی فضاهای مورداستفاده ساکنان دوطبقه قدیمی و جدید در یک محله در شهر سانتیاگو شیلی موردبررسی قرار دادند. در این پژوهش، فضاهای فعالیت‌های اجتماعی ۱۸۰ نفر از ساکنان قدیمی و جدید سه محله را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند و نتایج جالبی را نشان دادند. آن‌ها فهمیدند که، به‌طور کلی، ساکنان قدیمی و جدید در مکان‌های مشابه خرید می‌کنند و برخی از فعالیت‌های روزمره در داخل و خارج از محله انجام می‌شود. درحالی‌که ساکنان قدیمی تمایل به ماندن در محله دارند، ساکنان جدید فعالیت‌های خود را در جاهای دیگر نیز انجام می‌دهند. این می‌تواند مربوط به دسترسی به امکاناتی باشد که افراد جدید ممکن است داشته باشند و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا از فضاهای شهر بیشتر استفاده کنند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که با توجه به اینکه ساکنان جدید نسبت به ساکنان قدیمی محله دارای پیشینه کاملاً متفاوت هستند. آن‌ها از جای دیگری می‌آیند، درآمدهای و تاریخ‌های متفاوتی دارند و همین امر باعث می‌شود آن‌ها جهان زیست را به روشی متفاوت درک کنند (Greene et al, 2011).

باقری (۲۰۱۴) با روش نقشه برداری ذهنی به بررسی فعالیت‌های اجتماعی در فضاهای عمومی شهر تهران پرداخته است. و جنبه‌های مختلفی از گفتمان‌های فضایی را با روش جی‌آی‌اس کیفی و مصاحبه برای طبقات مختلف شهروندان زن در شهر تهران بازگو کرده است. در این پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۸۳ کاربر زن از فضاهای عمومی تهران صورت گرفته شده است. و عملکرد گفتمانی فضاهای عمومی به‌عنوان عرصه فعالیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان در نظر گرفته شده است، و به درک دقیقی از استفاده، احساسات و ترجیحات زنان ایرانی در فضاهای عمومی حال حاضر شهر تهران به‌واسطه روایت‌ها پرداخته شده است. منطقه مورد مطالعه این پژوهش میدان تجریش، سبزه میدان و میدان چه مروی در شهر تهران بوده است؛ که این مکان‌های عمومی گوناگون شهر تهران با سبک‌های طراحی مختلف و فعالیت‌های اجتماعی متمایز مورد مقایسه قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده تنوع تجربیات زیست طبقه زنان مدرن در مقابل سنتی، سکولار در مقابل دینی، عمومی در مقابل خصوصی، و مرد در مقابل زن در فضاهای عمومی است (Bagheri, 2014).

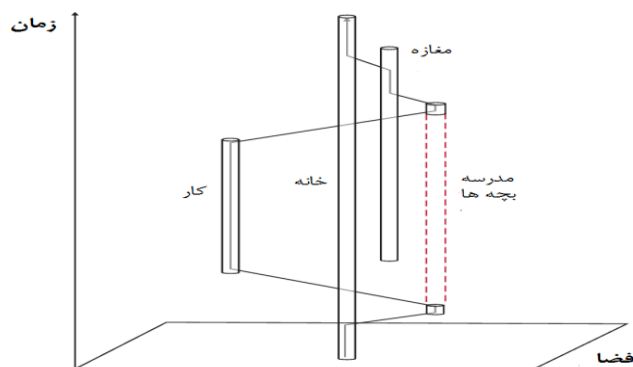
ورمس (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای به بررسی تغییرات نقشه برداری ذهنی فضای اجتماعی منطقه سکونتگاه غیررسمی فاولای شهر ریودوزانیرو کشور برزیل پرداخته است. هدف این پژوهش استفاده از نقشه‌های ذهنی برای بررسی تأثیر چگونگی تجارب، کنترل و دست‌کاری مکان‌ها بر تغییرات فعالیت‌های اجتماعی در جامعه سکونتگاه‌های فاولای بوده است. به‌گونه‌ای که در چند سال اخیر مسابقات جام جهانی ۲۰۱۴، بازی‌های المپیک ۲۰۱۶، اصلاحات سیاسی در سطح فدرالی، ایالتی و شهرداری، فضای اجتماعی سکونتگاه‌های فاولای ریو را از طریق اجرای زیرساخت‌های اجتماعی و فیزیکی باز ساخت کرده است. در این پژوهش ورمس بر اساس تریالکتیک سه‌گانه فضای آنری لوفور و با استفاده از نقشه برداری ذهنی به تحلیل درک تفاوت‌های بازنمایی‌های فضای زیسته می‌پردازد. این پژوهش از نظر روش‌شناسی از مشاهده مشارکتی، مصاحبه نیمه ساختاریافته و گفتگو با شرکت‌کنندگان بهره گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داده است که فضا اجتماعی ساکنان فاولای اغلب از طریق بوروکراسی نخبگان برنامه‌ریزی و کنترل می‌شود. به همین منظور ادغام مسائل اجتماعی و سیاسی در برنامه‌ریزی این منطقه ضروری است (Worms, 2014).

دامایانتی و کاساک (۲۰۱۶) در پژوهشی به کمک نقشه برداری ذهنی از فضای سوم-زیسته به بررسی فعالیت‌های اجتماعی جوانان ۲۵ تا ۲۰ در زاغه شهر سورابایا، کشور اندونزی با روش‌های نقشه کروکی، مصاحبه‌های عمیق شفاهی، مشاهدات مستقیم و غیره پرداختند. آن‌ها با اضافه کردن "معنی" به نقد نظریه سیمای شهر کوین لینچ پرداختند؛ آن‌ها معتقد بودند که لینچ در مطالعه خود تنها بر عامل خوانایی شهر تمرکز داشته است. به همین منظور در این پژوهش نقشه برداری ذهنی از طریق نظریه "فضای سوم" آنری لوفور، ادوارد سوگا و هومی بهابها تحلیل شده است. آن‌ها معتقدند که تحلیل فضای سوم درک عمیق‌تری از مناطق شهری ایجاد می‌کند؛ که شرایط اجتماعی طبقات شهری خاص را نشان می‌دهند. این درک نه تنها لایه فیزیکی را بلکه لایه‌های فرهنگی و تاریخی جوامع شهری را نیز مطالعه می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فعالیت‌های اجتماعی جوانان در نقاط بخصوص هویت گروهی آن‌ها را نشان می‌دهد، که اهمیت بالایی برخوردار است. ساختار چندمنظوره فعالیت‌های اجتماعی بین نیازهای خصوصی و عمومی، کسب‌وکار و اوقات فراغت ادغام شده است (Damayanti & Kossa, 2016).

## روش پژوهش

رویکرد روشی این پژوهش به دلیل مناسبت با موضوع مطالعه یعنی نقشه برداری ذهنی افراد از شهر و تفسیرهای آنان از محیط در متن، کیفی است. در این پژوهش برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، در مرحله برداشت اطلاعات از دو فن «مصاحبه و مشاهده» (Teelucksingh, 2002: 122). و در مرحله تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش‌های جی‌آی‌اس کیفی بهره گرفته شده است. حجم نمونه که یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تعیین‌کننده توان تصمیم‌گیری و قدرت یک مطالعه است، از جامعه آماری دو گروه ساکنان رسمی منطقه یک و ساکنان غیررسمی منطقه چهار شهر رشت است و حجم نمونه با توجه به کیفی بودن ماهیت پژوهش استراتژی نمونه‌گیری با کمک تحقیقات پیشینه موضوع (Lynch, 1960, Greene et al, 2011, Worms, 2014, ) (Bagheri, 2014). میانگین ۶۰ نفر برای هر طبقه سکوتی به‌صورت جداگانه در نظر گرفته شده است. و در ادامه سعی شده

نمونه‌های تصادفی از شرکت‌کنندگان بر پایه نمونه‌گیری نظری انتخاب گردد. اطلاعات برداشتی در متن این مطالعه از انواع داده‌های زیر تشکیل شده است: ۱- مصاحبه تصادفی عمیق با بازیگران اصلی. ۲- یادداشت‌برداری از مشاهدات میدانی و ۳- عکس‌برداری. به‌گونه‌ای که ساختار برداشت اطلاعات در این پژوهش شامل: چه چیز/کس؟، کجا؟، چه وقت؟ و چرا؟ است. در واقع به‌طور یکنواخت پرسش‌های پژوهش به دنبال شناسایی فرایند فعالیت شخص/چیز درگیر (چه کسی / چه چیزی) در محل (کجا) و زمان (چه وقت)، به علیت (چگونگی)، انگیزه (چرا) و هدف (نتیجه) مشخص بوده است. در مرحله کدگذاری برای واردکردن اطلاعات برداشتی در جی‌آی‌اس لازم است ابتدا اطلاعات برداشت‌شده در نقشه‌ها، متن‌ها، یادداشت‌ها، عکس‌ها و ویدئوها کدگذاری شوند. وظیفه اصلی تجزیه و تحلیل جی‌آی‌اس کیفی استخراج و انتزاع مضامین قابل‌توجهی در داده‌های پیچیده است، آن‌ها را باهم جمع کرده و خلاصه از آن‌ها ارائه دهد. بسته‌های کمی GIS معمولاً از عملکرد کیفی داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها پشتیبانی نمی‌کنند. معمولاً این تحلیل‌ها به کمک سیستم‌های تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی کامپیوتری (CAQDAS) چون ATLAS.ti و NUD\*IST انجام می‌گیرد (Ding & Kwan, 2006: 2-5). در این روش مصاحبه به‌صورت متن، تصویر، صوت و ویدئو قابل کدگذاری می‌شوند. و درنهایت داده‌های کیفی کدگذاری شده با استفاده از روش‌های جی‌آی‌اس کیفی با اطلاعات پایگاه داده جغرافیایی ترکیب می‌شوند. به همین منظور کدگذاری در این پژوهش به‌وسیله نرم‌افزار ATLAS.ti صورت گرفته‌شده است. در مطالعات جغرافیای انسانی هدف از ATLAS.ti کمک به محققان کشف و سیستماتیک تجزیه و تحلیل پدیده‌های پیچیده پنهان در داده‌های بدون ساختار است. بعد از واردکردن و کدگذاری داده‌ها برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تجزیه و تحلیل نقشه‌برداری فعالیت فضایی-زمانی بهره گرفته‌شده است. این روش تجزیه و تحلیل در جی‌آی‌اس کیفی؛ یک روش در تحلیل بازنمایی سه‌بعدی فعالیت افراد در جغرافیا است. در این روش فضا و زمان دو مفهوم اساسی هستند. آن‌ها در زمینه ادراک درهم‌آمیخته و جدایی‌ناپذیر هستند (Peuquet, 2002: 197). این روش اولین بار توسط هاگستراند در مطالعات جغرافیای انسانی مورد توجه قرار گرفت؛ از نظر هاگستراند فعالیت فرد از یک نقطه آغاز می‌شود و درنهایت به یک سرانجام می‌رسد. فعالیت فرد (مغازه، مدرسه، کار و ...) را در طول فاصله زمانی (یک روز، یک هفته، ...) صورت می‌گیرد. این روش بر اساس مثلث سه‌گانه فضا-زمان است که از متغیرهای  $\langle X, Y, T, U \rangle$  برای نشان دادن فعالیت فضایی-زمانی افراد استفاده می‌شود (شکل ۳).

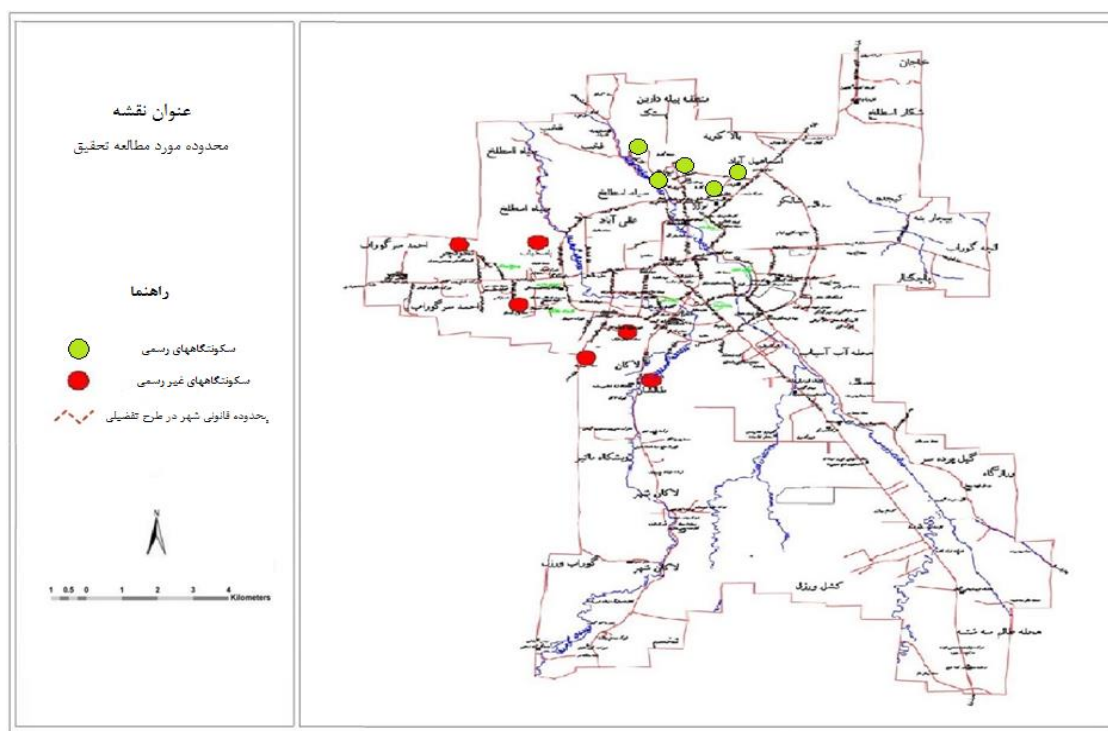


شکل ۳. فعالیت فضایی و زمانی  
(Miller, 2017: 3)

فضا  $\langle X, Y \rangle$  و زمان  $\langle T \rangle$  و فعالیت  $\langle U \rangle$  است. که در محور  $\langle X \rangle$  به مسافت فاصله از خانه برای هر فعالیت (مانند ۰-۵/۰ کیلومتر، ۰/۵-۵ کیلومتر، ۵-۱۰ کیلومتر)، محور  $\langle Y \rangle$  به فراوانی فعالیت‌ها (به‌عنوان مثال درصد پاسخ‌دهندگان شرکت‌کننده در یک فعالیت در زمان مشخص و در محدوده مسافت معین) در طی ۲۴ ساعت اشاره دارد (Kwan et al, 2015: 28).

## قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهر رشت به عنوان پرجمعیت‌ترین و فشرده‌ترین شهر شمال کشور در کانون جغرافیایی جلگه گیلان و در یک منطقه روستایی و کشاورزی قرار گرفته است. از زمانی که این شهر مرکزیت سیاسی و اداری استان را پذیرفته، گسترش کالبدی خود را شتاب بخشیده است، که موجب توسعه شهر به صورت توسعه درون تهی و پرحاشیه بوده است (Yasuri & et al, 2015: 109). از سال ۱۳۴۵ تقاضا برای زمین و مسکن، با توجه به مهاجرت فراوان به شهر در طول دهه ۵۰، ۶۰ و ۷۰ موجب ظهور ساخت‌وساز و تفکیک غیرمجاز اراضی و در نتیجه توسعه فیزیکی و کالبدی بافت سکونتگاه‌های غیررسمی در منطقه چهار شهر رشت گشته است (Massoud & Haghvardiyan, 2012: 131). از جمله این سکونتگاه‌های می‌توان به محلات حاشیه‌ای شامل محله‌های عینک، صفا، سر، ولکس، حمیدیان، نخودچر، پستک، جماران، سلیمانداراب، معلولین، سیاه اسطوخ، طالشان، محله پیرکلاچای اشاره کرد (Pour Aghaei, 2006: 20). اما تقاضا زمین و مسکن و اکولوژی اجتماعی در شمال شهر رشت نوع دیگری از بافت برنامه‌ریزی شده شهری را به وجود آورد که در این بافت می‌توان به محلاتی چون گلسار، بوسار، کاکتوس و ... اشاره کرد. این محله جزء بافت‌های منظم و برنامه‌ریزی شده رشت می‌باشد. ایده اولیه ساخت این شهرک در دهه ۵۰ در حدود نهایی محدوده شهر به صورت مجموعه‌هایی کاملاً ظاهر شد (daneshpour & salaripour, 2017: 125). در شکل ۴ موقعیت این دو محدوده پژوهش نشان داده شده است.



شکل ۴. منطقه مورد مطالعه

## یافته‌ها و بحث

در این مرحله برای تحلیل فضای سوم-زیسته دو گروه ساکنان رسمی و غیررسمی شهر رشت به تحلیل الگوی فضایی-زمانی فعالیت عمده آنان پرداخته شده است. پرسش در رابطه با بعد فضایی-زمانی-چه کس؟، چه وقت؟، کجا؟ و چرا؟ مطرح است. الگو

فعالیت افراد (چه کس؟) از مبدأ معمولاً خانه به‌عنوان محل سکونت (کجا؟) در زمان مشخص ساعتی، روزانه، هفتگی و ... (چه وقت؟) به‌علیت، انگیزه و هدف خاصی (چرا؟) آغاز و به اتمام می‌رسانند. در همین رابطه جدول ۱ به مقایسه فضای سوم-زیسته دوطبقه اجتماعی در شهر رشت پرداخته است. نتایج این مقایسه نشان داده است که فضای سوم-زیسته دوطبقه ساکنان رسمی و غیررسمی در شهر رشت از تضاد و کشمکش در بین انواع فعالیت‌ها برخوردار است که در بستر این شهر در شکل‌های مختلف رخ داده است: **چه کس؟** در پاسخ به این پرسش در این پژوهش افراد مورد مطالعه دو گروه طبقه شهری شامل ساکنان رسمی و غیررسمی شهر رشت بوده است. به صورتی که این دوطبقه شهری از پیوندهای فضایی-اجتماعی-طبقه، قوم و خویش، محل سکونت نظیر محله، و غیره-برخورد دارند. ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی مورد مطالعه شامل اقشار کم‌درآمد، ساکنان روستایی، غیربومی، مهاجر ترک آذری، خلخال، کردها، رودباری‌ها یا تالشی‌ها و غیره می‌باشند که در بخش اقتصادی گروه‌های کارگر کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، دست‌فروش‌ها و غیره شهر فعالیت می‌کنند. طبقه شهری ساکن در سکونتگاه‌های رسمی شامل افرادی از طبقات متوسط و مرفه شهری بوده؛ که اکثراً بومی و غیر مهاجر و از نظر سطح تحصیلات، درآمد و تخصص شغلی در وضعیت مطلوبی قرار دارند. **کجا؟** فعالیت‌ها در مکان‌های بخصوصی شکل می‌گیرند. این فعالیت‌ها شامل دودسته فعالیت غیرضروری تفریحی، سرگرمی، بازدید، گشت و خرید ...؛ و دیگری فعالیت‌های ضروری که حالتی کمابیش اجباری دارند-رفتن به مدرسه یا سرکار، خرید، منتظر اتوبوس یا کسی ماندن، ... است. و نتایج نشان داده است که فعالیت ساکنان سکونتگاه‌های رسمی در سطح منطقه شهری نمود پیدا می‌کنند؛ درحالی‌که فعالیت‌های ساکنان غیررسمی محدود به منطقه سکونت آن‌ها بوده است. محل فعالیت موردپذیرش ساکنان سکونتگاه‌های رسمی شامل: کافه‌ها و باغ‌های تفریحی، مرکز آموزشی و فرهنگی، باشگاه‌های ورزشی، سالن‌ها و آرایشگاه تخصصی، شرکت و موسسه خدماتی، سینما و مراکز نمایش، رستوران، کافی‌شاپ‌ها، مراکز خرید، فروشگاه‌ها، و غیره می‌باشند. درحالی‌که محل فعالیت ساکنان غیررسمی شامل: کارخانه و کارگاه‌ها، مراکز مذهبی، پاتوق گاه‌ها، پارک‌ها و فضای سبز محله‌ای، قهوه‌خانه و چایخانه، مغازه‌ها و اغذیه‌فروشی، بازارچه و بازار هفتگی و روستایی و غیره می‌باشند. **چه وقت؟** فعالیت‌های ساکنان از نظر زمانی متفاوت است. در جریان آن زمان می‌تواند به‌گونه‌ای سازمان یابد که محدودیت‌های فضا را کاهش یا افزایش دهد. به‌عنوان مثال در نقشه خودزنان جوان در زمان خاص ساعات شلوغ شهر فعالیت می‌کنند. در عوض مردان جوان فعالیت خود را در ساعات پایانی شب نشان می‌دهند. زنان بیشتر زمانی فعالیت اجتماعی خود را در درون خانه و محله تشکیل می‌دهند. فعالیت‌های گسترده بیشتر ساکنان غیر رسمی-به‌جز، جوانان- در بین ساعات ۷ تا ۱۴ انجام می‌پذیرد و پس از آن فعالیت آنان محدود به محل سکونتی می‌گردد. ساکنان سکونتگاه‌های رسمی از نظر زمانی آزادانه‌تر می‌باشند. فعالیت‌های گسترده این گروه ساکنان در ساعات ۱۸ تا ۲۴ صورت می‌گیرند. و این فعالیت‌ها از مرکز شهر به سمت محل سکونت با افزایش زمان صورت می‌گیرند. هر دو گروه ساکنان در بین ساعات ۱۴ تا ۱۸ فعالیت‌های بسیار پایین و پراکنده‌ای دارند. **چرا؟** چرایی گزینش فعالیت در فضا-زمان بخصوص برای ساکنان رسمی و غیررسمی متفاوت است. به‌عنوان مثال در مصاحبه‌های صورت گرفته: از پرسش‌شوندگان پرسیده شده که فعالیت خود را چرا در این فضا-زمان انجام می‌دهند. یا توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته ساکنان سکونتگاه‌های رسمی علیت، انگیزه و هدف خاص خود را از فعالیت فضایی-زمانی با کدهای چون: مهیج، مراقبتی، غریبی، راهی از تنهایی، تمیز بودن، شیک بودن، ساکت بودن، آزادی رفتار، عدم دخالت دیگران، رابطه جنسی و قرار عاشقانه عادی، حریم خصوصی، پنهان شدن از چشم دیگران، امروزی بودن، چشم هم‌چشمی، توجه به‌ظاهر و پوشش، گرایش به مد، تناسب ظاهر و اندام، غیراجباری، مطلوب و دل‌نشین، دنج، متمایز و خاص، احترام و منزلت، آرامش، سرزندگی، مفرح بودن، باشکوه، پویایی و تحرک، جلوه‌گری، پرشتاب، خودنمایانه، چالش طلبانه، فردیت و استقلال شخصی، روابط صمیمی، عاطفی و رمانتیک، پرزرق‌وبرق، مصرف‌گرایانه، سلطه‌طلب، علاقه‌محور، هویت‌پذیری و غیره ارائه می‌دادند. در صورتی‌که ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی چرایی خود را از فعالیت فضایی-زمانی با کدهای چون: اجباری، دیدی عمومی، تفکیک زن و مرد، تک‌جنسیتی، گریز-اعتراض (بیان، رفتار، پوشش)، فرار از گیر دادن، کنترلی، محدودیت، روابط همیارانه-دوستانه و آشنای، وابسته به سایرین، پدرسالارانه، مناقشه‌ای، درگیرانه، فقر و اعتیاد، تقدسی، دورهمی، نظارت همگانی، وابسته به خانه، زنان متکی/همیار مردان، محافظه‌کارانه، ابتدایی و سنتی، جمع‌گرایی و وابستگی خانوار، نگاه مجرمانه، طردشده، آشوبگرانه، مخاطره‌پذیر، هویت‌گریزی، حفظ محرمانه، نگرانی و ناامنی شبانه، پیوند جوان و پیر، غیرقانونی، هنجارستیز، ریسک‌پذیر و خطر کردن، سردرگمی و فشارهای



روانی-اجتماعی، مبتنی بر نظام‌های ارزشی، جدا مانده، شکاف و فاصله، سخت‌گیرانه، همه‌په و پره‌های و هو، مقاومت و ایستادگی و غیره اذعان شده است.

جدول ۱. مقایسه فضای سوم-زیسته دوطبقه اجتماعی در شهر رشت

طبقه سکونتی	مکان فعالیت	مشخصه زیسته
ساکنان سکونتگاه‌های رسمی منطقه یک شهر	کافه باز، باغ‌های تفریحی، رستوران، بوتیک، کلپ‌های اجتماعی، باشگاه ایروبیک، باشگاه بدن‌سازی، مرکز آموزشی و فرهنگی، مراکز ورزشی، آموزشگاه موسیقی، آموزشگاه زبان، سالن‌ها و آرایشگاه تخصصی، شرکت، موسسه خدماتی، استخر و سنا، خودرو، سینما و مراکز نمایش، کافی‌شاپ‌ها، مراکز خرید، فروشگاه‌ها، هتل کافه و رستوران، دانشگاه و مراکز آموزشی غیرانتفاعی، مجتمع بازی کودکان، مراکز گردشگری و تفریحی و ...	مهیج، رفتار بالا شهری، ادغام زن و مرد، سبک جدید، تبلیغی، شبانه، امنیت، مراقبتی، غریبگی، هم‌نشینی، نقد مسائل، رهایی از تنهایی، یادگیری تجربیات، تبادل نظر، تمیز بودن، شیک بودن، ساکت بودن، تنوع فعالیت و خدمات، آزادی رفتار، عدم دخالت دیگران، رابطه جنسی و قرار عاشقانه عادی، زنان مستقل از مردان، تعامل اجتماعی-طبقاتی، حریم خصوصی، پنهان شدن از چشم دیگران، توجه به افراد دیگر، بزرگ انگاری، امروزی بودن، چشم هم‌چشمی، وجود افراد با کلاس، پرستیژ محور، توجه به ظاهر و پوشش، گرایش به مد، تناسب ظاهر و اندام، غیراجباری، انتخابی، گزینشی، مطلوب و دل‌نشین، دنج، شادی و خنده، تپ‌های مشابه، هرکسی نمیدانم، فضای متمایز، احترام و منزلت، آرامش، سرزندگی، مفرح بودن، باشکوه، پویایی و تحرک، جوان‌پسند، جلوه‌گری، تفریح محور، پرستاب، خودنمایانه، چالش طلبانه، خاص و متفاوت بودن، فردیت و استقلال شخصی، روابط صمیمی، عاطفی و رمانتیک، پرزرق‌وبرق، مصرف‌گرایی، سلطه‌طلب، نیازهای تجملی و لوکس، خلوت و سکوت، حمایت والدین، علاقه محور، بی‌تفاوتی، هویت‌پذیری و ...
ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی منطقه چهار شهر	پاتوق گاه‌های محله‌ای، کوچه و معابر، قهوه‌خانه، کافه بسته، مغازه‌های محله، اغذیه‌فروشی، خرده‌فروشی، بازار هفتگی و روستایی، بازارچه‌ها، کارخانه و کارگاه‌ها، مراکز مذهبی، بقعه، مسجد، پارک بانوان، خانه همسایه، سالن آرایشگاه، چاپخانه، مراکز آموزش دولتی، مدرسه، پارک‌ها و فضای سبز محله‌ای، فضاهای باز بازی کودکان، زمین ورزشی، مراکز محله، میدان و تریه‌بار، جلوخان‌ها و فضاهای باز، کنار رودخانه، تقاطع‌های محله، گره‌ها و لبه‌های محلی، روستاها و اراضی پیرامونی و ...	اجباری، دیدی عمومی، محلی، تفکیک زن و مرد، تک جنسیتی، گریز-اعتراض (بیان، رفتار، پوشش)، فرار از گیر دادن، کنترلی، محدودیت، روابط همیارانه-دوستانه و آشنای، وابسته به سایرین، پدرسالارانه، مناقشه‌ای، درگیرانه، فقر و اعتیاد، تقدسی، دورهمی، نظارت همگانی، وابسته به خانه، زنان متکی/همیار مردان، خرده‌فرهنگ، در نگاه دیگران، محافظه‌کارانه، ابتدایی و سنتی، انزوا جوانان، جمع‌گرایی و وابستگی خانوار، نگاه مجرمانه، طردشده، آشوبگرایی، فرهنگی و قومیتی، مخاطره‌پذیر، تأمین نیازهای اولیه، هویت‌گریزی، اشتغال درآمد محوری، نظارت اقوام و خویشاوندان، وابستگی به خانواده، حفظ حریمت، تامل فرهنگی و قومی، نگرانی و ناامنی شبانه، روابط همسایگی، جمع‌ناهمگن و غیربومی، همه‌شمول، پیوند جوان و پیر، غیررسمی، غیرقانونی، هنجارستیز، پنهان شدن، ریسک‌پذیر و خطر کردن، آسیب‌پذیر، یاس، دغدغه، بلاتکلیفی، سردرگمی و فشارهای روانی-اجتماعی، عدم پاسخ‌دهی، مبتنی بر نظام‌های ارزشی، محسوس شده، جدا مانده، شکاف و فاصله، سخت‌گیرانه، خودمانی، شلوغ، همه‌په و پره‌های و هو، ارتباط و توسل، نزدیکی، مقاومت و ایستادگی، اهمیت نداشتن تفاوت‌ها، پذیرش همراه و ...
<p><b>فعالیت:</b> گشت و خرید، ملاقات و دیدار دوستان، معاشرت و گفتگو، قرار عاشقانه، کار و اشتغال، ماشین‌سواری، دور و دور و گشت‌وگذار در خیابان و فضاهای عمومی، نشستن و استراحت، تماشا فیلم، دیدن و نگاه کردن، رفتن به مدرسه، دانشگاه، کارهای بچه‌ها در مدرسه یا پارک و غیره، نوشیدن، چشیدن و خوردن غذا، چایی، قهوه و غیره، مصرف دخانیات قلیان، سیگار، و غیره، تحصیل، آموزش و یادگیری، پیاده‌روی، قدم زدن، دوچرخه‌سواری، عبادت و شرکت در مراسم، منظر ماندن، بازی کردن، کورس‌گذاری، برگزاری جشن، تمرین و ورزش کردن، گپ‌زنی دوستانه، تماشای دسته‌جمعی مسابقه‌ای، شرکت در جشن تولد و ...</p>		

با در نظر گرفتن فعالیت ساکنان غیررسمی فضای سوم برای این بخش به شکل بخصوص خود عمومی، مردانه، کنترل شده و ... و برای ساکنان رسمی این فضاها خصوصی، مختلط، آزاد و ... نشان داده شده است. در زیر به چند نمونه مصاحبه فعالیت برای ساکنان دوطبقه شهری مورد مطالعه ارائه شده است:

«من در ساعات اولیه روز دو کودک خود را تا مدرسه‌شان می‌رسانم. برای برگشت کودکان به خانه در ظهر نزدیکی اذان ظهر از خانه بیرون می‌روم. مدرسه کودکان من در نزدیکی محل زندگی ما قرار دارند ولی من به دلیل نگرانی شخصی خود سعی می‌کنم تا قبل از تعطیلی مدرسه در زمان مشخصی آنجا باشم. گاهی بعد از همراهی کودکان ممکن است به پارک تفریحی در نزدیکی محل زندگی خود برویم. معمولاً به دلیل خستگی و گرسنگی کودکان خود کمتر در این مواقع به اینجاها می‌روم مگر اینکه کودکان اصرار به بازی داشته باشند، پارک نزدیک خانه هست میتونیم عصرها هم بیایم» (زن، ۳۴-۳۵ ساله، ساکن سکونتگاه غیررسمی).

«من خودم اهل همین محله بیشتر روزها میریم اونجا کنار همون دکه که نشوتون دادم بیشتر حرف می‌زنیم و برنامه می‌ریزیم که چیکار کنیم مثلاً بریم کجا بگردیم با کی کار داریم و حرفا از فوتبال، اخبار و حتی سیاست و ... می‌گیم. چند تا بچه‌ها از محله‌های دیگر هستند می‌آیند برای همین ما اینجاییم بیشتر چون بین محله‌ها هست

به جورایی به هم نزدیک‌تریم. بعضی روزها هم هست بعضی بچه‌ها نمیان شاید کار داشته باشند. ولی برای به دورهم جمع شدن بعد از ظهری همین‌جا کفاف می‌کند هم نزدیکه به خونه هامون هم جای نشستن و دورهم جمع شدن خلوتی هستش» (مرد، ۳۴-۲۵ ساله، ساکن سکونتگاه غیررسمی)

مصاحبه‌های بالا نشان می‌دهد که در بین ساکنان غیررسمی فعالیت اجتماعی در محدوده محل سکونت بوده است بیشتر ساکنان پاتوق‌ها و قرارگاه‌های عمومی در نزدیکی مغازه‌های محل، میدان‌ها و چهارراه‌ها ... را به‌عنوان فضای سوم فعالیت اجتماعی خود انتخاب کرده که این فضاها در دید عموم قرار دارند. استفاده از این فضاها به‌صورت اتفاقی و ناآگاهانه صورت می‌گیرد. و الگوی مشخص را برای فعالیت اجتماعی این گروه از ساکنان شهر نشان می‌دهد. دیدار و مرادوت در این فضاها بسیار ابتدایی است و سبک زندگی سنتی را به نمایش می‌گذارد.

«در مراکز جدید من احساس راحتی نمی‌کنم آن‌ها بیشتر مورد استفاده جوانان می‌باشند. این نسل جدید می‌خواهند نشان دهند که از ما، متفاوت هستند. من شخصاً ترجیح می‌دهم که وقت خود را در مکان‌هایی که با آن‌ها خاطره دارم صرف کنم. من از پیاده‌روی اطراف کوچه‌بازار قدیمی شهر لذت می‌برم همان‌طور که به یاد می‌آورم، مادر من برای خرید به این کوچه‌بازارهای قدیمی می‌رفت» (زن، ۵۵-۴۵ ساله، ساکن سکونتگاه غیررسمی).

در توضیح این مصاحبه شوند به شیوه ساده می‌توان گفت که بر ساخت پیچیده و تودرتوی طبقه بر پایه شیوه‌های ساختاری و روزمره استوار است. منظور این است که آداب اجتماعی چون شیوه لباس پوشیدن و سبک نمایی افراد در راه رفتن و صحبت کردن و ... افراد طبقه غیررسمی باعث می‌شود به‌دشواری بتوانند در فضاها تحت تسلط طبقه رسمی وارد شوند این آداب اجتماعی باعث می‌شود که قلمرو زیست ساکنان غیررسمی در نقشه ذهنی محصور شده و فرهنگ این ساکنان از فضاها ی چون: مراکز خرید، فروشگاه‌های بزرگ و ... محو شود. و در عوض به‌صورت محافظه‌کارانه مراکز خرید سنتی که در ارتباط با گذشته زندگی آن‌ها است؛ مورد استفاده قرار بگیرد.

«[... من برای رفتن به فضاها دورتر از خانه برای خرید معمولاً منتظر همراهی همسر خود هستم چون این عمل برای من لذت‌بخش‌تر است. من معمولاً در مواقع عصر حدود ساعت ۵:۰۰ به بعد تمایل بیشتری دارم که از محل زندگی خود دور شوم» (زن، ۳۴-۲۵ ساله، ساکن سکونتگاه‌های غیررسمی).

این مصاحبه‌شونده نشان می‌دهد که برخاست بهره‌مندی زنان غیررسمی از فضا فارغ از مسائل اقتصادی از لحاظ اجتماعی و اخلاقی نیازمند حمایت دیگران است، و به جنس مرد وابسته است. که این امر زمان و گونه استفاده آن‌ها را از فضای عمومی متفاوت می‌کند. در اینجا زنانگی خود موجی از محدودیت‌ها را در زمینه استفاده از فضای عمومی به همراه دارد.

«من معمولاً اوقات فراغت خود را در جمع دوستان (مردان) می‌گذرانم و به چند قهوه‌خانه در نزدیکی محل‌مان می‌روم ما برای چند ساعت آخر شب یک تفریح و سرگرمی قلبانی با دوستان خود داریم این مکان برنامه خوبی برای گذراندن تفریحات آخر شب من است. بیشتر دوستان رو آنجا می‌بینم و می‌تونم از حال دوستان خبردار بشم درواقع می‌بینم که هنوز آن‌ها زنده‌اند (طنز)» (مرد، ۳۴-۲۵ ساله، ساکن سکونتگاه غیررسمی).

علاوه بر این، رفتار جمعی ساکنان غیررسمی، در برخی موارد، فضای جنسیتی است؛ به‌گونه‌ای که برخی فضاها سوم چون چایخانه‌ها مخصوص مردان است. چنین فضای عمومی، فضایی است که به لحاظ تاریخی، مکان حضور مردان شناخته می‌شود. در چنین جامعه‌ای نیز در شرایط سنتی، برای حضور زنان در اجتماعات مختلف محدودیت‌هایی اعمال می‌شود که به‌نوعی فضاها را به زنانه و مردانه تقسیم می‌کند.

«من سعی می‌کنم بعد از گذراندن زمان خسته‌کننده در مدرسه در عصر برای گذراندن به بعدازظهر تفریحی دوست -پسر- خودم را ملاقات کنم. فکر کنم بعد از اتمام مدرسه زمان ملاقات مناسب‌تر باشد ما اغلب به کافه‌های منطقه بالا شهر می‌رویم تا به فروشگاه‌های قهوه-کافی‌شاپ- برویم و در مراکز خرید بچرخیم. اونجا کسی کاری ندارد که آیا شما با دوست‌پسر خود هستید». (زن، ۲۴-۱۵ ساله، ساکن سکونتگاه رسمی).

«من با دوستانم عصرها به مراکز خرید خیابان‌های لوکس می‌روم. در آنجا، لازم نیست مدام فکر کنم که چه کسی مرا ببیند یا اینکه همسایه و آشنا با من برخورد کند. بسیاری از محلات ما مردم فقط نق میزنن. من می‌خواهم بیرون بروم و آزادباشم، جایی که هیچ‌کس نمی‌داند من کجا هستم» (زن، ۲۴-۱۵ ساله، ساکن سکونتگاه غیررسمی).

«برای من مهم است که دوستان خود را کجا ملاقات کنم ما معمولاً در پارک در منطقه دور از محل زندگی خود جمع می‌شویم آنجا فضای خوبی است ما می‌توانیم همه دوستان خود را ببینیم و از آنجا استفاده کنیم. ما چون سیگار و گاهی گل-ماری‌جوانا- می‌کشیم و بچه‌های شلوغی هستیم آنجا مکان بهتری برای این جمع‌هاست» (مرد، ۲۴-۱۵ ساله، ساکن سکونتگاه غیررسمی).

برای جوانان سکونتگاه‌های غیررسمی فضا کنترل غیررسمی شده است. در همین راستا برخی از آنان تلاش می‌کنند تا با حضور در مکان‌های عمومی خلوت و بالای شهر خود را از ابزار فشار کنترل غیررسمی دور کنند. گمنامی و هیجان‌های حاکم در زندگی شهری عامل مهمی در ظهور چنین فضاهای شهری برای جوانان است. چنین جوانانی کانون خانواده و قلمرو اجتماعی زیسته خود را به چالش می‌کشند و با پس‌زمینه‌های مختلف از اماکن عمومی شهر استقبال می‌کنند. در صورتی که کنترل رسمی (پلیسی) طبق پرسش‌های صورت گرفته برای برخی از جوانان سکونتگاه‌های غیررسمی بعد از کنترل غیررسمی مهم اذعان شده است. در مثال-های پایین یک نمونه مصاحبه از ساکن سکونتگاه رسمی ارائه شده است:

«[...کافه یه فضای دنجی دارد اونجا بسیار آرام است، ما معمولاً اونجا دو هم جمع میشیم با دوستانمون ما کلاً یه گروه چند نفره از دختر و پسر هستیم که برنامه‌های خود را آنجا می‌ریزیم بیشتر دیدارها که داخل شهر است آنجا انجام میدهم مگر اینکه برخی مواقع بیرون شهر برویم» (زن، ۲۴-۲۸ ساله، ساکن سکونتگاه رسمی).

در اینجا فضا چون کافه در مقابل چایخانه فضای خصوصی برای دیدار و مراودت شده است و در این فضا زنان در کنار مردان قرار گرفته‌اند. این مصاحبه‌شونده نشان می‌دهد که رشد فضاهای کافه‌ها و ... در شهر آزادی بیشتری به زنان داده است. در اینجا زنان جایگاه خود را در فضا مورد مذاکره قرار داده‌اند و زندگی شهری با گفتگمانی جدید اشکال جدیدی از روابط زنان و مردان را در چنین فضاهای عمومی مهیا کرده است.

«تفریح من بیشتر با دوستانم برای خرید من چون مشغول به کار هستم معمولاً آخر هفته‌ها با چند تا از دوستانم (دختر) میروم از مرکز شهر خرید می‌کنم، چند دست لباس می‌خرم یه چیزی می‌خورم شاید سینما برم و ... بعد با مائین خود برمی‌گردیم طرف گلسار، آرایشگاه میریم، رستوران میریم و شام می‌خورم» (زن، ۳۴-۲۵ ساله، ساکن سکونتگاه رسمی).

در این مصاحبه آنچه مطرح است رابطه جنسیت، مصرف و زندگی زیسته شهری است. فروشگاه‌ها در شهر رشت حول محور مصرف توجه بیشتری به زنان برای حضور در فضای عمومی شهرداری‌ها دارند. زنان در فروشگاه‌ها با طیف وسیعی کالاها مواجه هستند و نقش آن‌ها به‌عنوان مصرف‌کننده احیاء شده است. این فضاها زمینه‌گریز زنان را از امور خانه‌داری فراهم کرده است. و فضایی عمومی به قلمرو برای کنش آن‌ها در زمان‌های مختلف تبدیل شده است. زنان در مصرف باعث حضور زنان در محدوده‌های شهری مرکزی به امری پذیرفته و قابل قبول تبدیل شود. در اینجا زنان نقش مهمی در شکل‌گیری فضاهای شهری می‌ابند درحالی که این نقش فرایندی است که خود زنان بر آن کنترلی ندارند.

«اولین بار دوستم بهم گفت برو ببین رستوران چطوره برای من خوب بودش وقتی وقتم آزاد بشه میرم اونجا با چندتا از دوستانم؛ بعد آدمایی هم که میان اونجا خوب مسلمه از همین محلات اطرافن و پولدارن آخر هفته‌ها کلی شلوغ میشه که جا سوزن انداختن نیست» (مرد، ۳۴-۲۵ ساله، ساکن سکونتگاه رسمی).

نکته‌ای که این مصاحبه بازگو می‌کند موضوع فضای شهری و یافتن سبک جدید زندگی با میل به غذا خوردن در رستوران‌های ویژه است. رستوران‌ها برای چنین ساکن رسمی نماد مهمی از زندگی شهری شده است. چنین رستوران‌های امروزه ابزار مهمی در

بخش فرهنگی هستند. این چنین عناصر شاخص به چیزی بیش از محل غذا خوردن بدل شده‌اند. و در آن‌ها بسته‌هایی از سبک زندگی ارائه می‌شود. اهمیت این مکان‌ها صرفاً در سرو غذاهای با سبک آشپزی خاص نیست. بلکه میعادگاه‌های دنج و شیک برای جلوه‌گری اجتماعی است. می‌توان گفت این رفتار اجتماعی در رستوران نوعی تئاتر است که در حول عنصر خدمات غذاخوری نمایش داده می‌شود. چنین مکان‌هایی محلی برای ردوبدل شایعات، بحث‌های سیاسی، قرارهای عاشقانه و برگزاری جشن‌های خانوادگی است.

«...[واقعاً جای تمیزیه خوبیش اینه جای خوب شهره که همه میان میشه بیایی اینجا شبیم تا دیر وقت اینجا باشی هیچکی کارتون نداره جای امنیه» (زن، ۴۵-۵۴ ساله، ساکن سکونتگاه‌های رسمی).

مشارکت زنان در چنین فضاهایی به حفظ نظم اجتماعی در فضای عمومی کمک کرده است. در اینجا فضاهای شهری به دلیل حضور زنان به‌عنوان مصرف‌کننده اصلی فضاهای بی‌نظم و آشوب شهر را نظم می‌بخشند و با ایجاد امنیت مصرف‌گرایی حتی شبانه را برای زنان آسان می‌کنند. این ایجاد امنیت موجب کنترل‌های رسمی توسط پلیس‌های محله‌ای، مجریان نظم و دوربین‌های مدار بسته در منطقه سکونتگاه‌های رسمی شده است.

«من تفریحم تو باشگاه ورزشی هستش چندساله بدن‌سازی و زیبایی‌اندام کار می‌کنم اونجا دوستان خوبی پیدا کردم. من دوست دارم خوش‌اندام باشم برام این موضوع مهمه برای همین سعی می‌کنم در برنامه‌هام همیشه ورزش کردن رو داشته باشم و این وقت رو به باشگاه اختصاص بدم» (مرد، ۲۵-۳۴ ساله ساکن سکونتگاه‌های رسمی).

«معمولاً شبا ساعت نه وقتی می‌خاهم ورزش کنم پیاده میام اینجا، ولی وقتی ماشین همراه‌مونه میایم اینجا یکم سرعت میریم با ماشین؛ بلوار گیلان جای خوبییه برا سرعت گرفتن به خاطر این هلالی و قوس شکل بودنش بیشتر می‌چسپه» (مرد، ۲۴-۱۵ ساله، ساکن سکونتگاه‌های رسمی).

توجه به بدن و زیبایی در ارتباط با مکان شهری یکی از مسائل مورد توجه جغرافیا است که ساکنان رسمی شهر رشت بسیاری از وقت آزادشان را در فضاها سپری می‌کنند که در ارتباط با تناسب‌اندام، ماساژ، آرایشگاه‌ها و ... است. هیجان سرعت و ورزش و پیاده‌روی از دیگر فعالیت‌های ساکنان رسمی است که فضای زیسته این ساکنان را برای آن‌ها نمایان می‌کند. این فعالیت‌ها چیزی بیش از نیازهای ضروری فعالیت‌های زیستی شهروندان است.

با توجه به بررسی نقشه‌های کروکی و مصاحبه‌های انجام‌شده از فعالیت اجتماعی بعد سوم فضای شهر رشت بازگوکننده نکاتی در بازنمایی این فضا در بین ساکنان رسمی و غیررسمی شهر رشت است. تفاوت فضاهای اجتماعی در نقشه ذهنی ساکنان سکونتگاه‌های رسمی منطقه یک و غیررسمی منطقه چهار از فضای سوم شهری سخن می‌گوید که نشان دهند تقابلی میان سنت و مدرنیته در این فضای شهری است. با توجه به تحلیل فعالیت اجتماعی ساکنان سکونتگاه‌های رسمی فضاهای مدرن چون پارک، کافی‌شاپ، سینما، رستوران مهم‌ترین مکان‌های مورد اقبال بوده است (شکل ۵ و ۶). برای این طبقه شهری چنین مکان‌هایی در ساعات پایانی روز فعالیت گسترده‌تری تا ساعات دیگر روز دارد. این فضاها مختص طبقه متوسط شهری شده‌اند. فضاهای خاص فعالیتی را می‌توان با طبقات اجتماعی خاص همراه کرد. رابطه بین طبقه اجتماعی و نحوه همزیستی و فعالیت آن‌ها با این مکان‌ها درک این رابطه را مشخص می‌کند. برای ساکنان غیررسمی فضای زیسته کوچک و محلی تعیین شده است.



شکل ۶. فعالیت خرید در خیابان گلزار

شکل ۵. فعالیت اجتماعی خرید در میدان شهرداری

برای ساکنان رسمی فضاهای خودنمایانه، پرشتاب و تفریح محور خط مقدم جبهه فرار گرفته است. برای این ساکنان غذاخوری‌ها، کافه‌ها و... به‌عنوان بخش بنیادین از زندگی روزمره شهری شناخته شده است (شکل ۷ و ۸). این فضاهای تفریحی به چیزی بیش از مصرف محل غذا خوردن و نوشیدن صرف تبدیل شده‌اند. و باید گفت که در آن‌ها بسته‌ای کلی سبک زندگی ارائه می‌شود. اهمیت این مکان‌ها صرفاً در سرو غذا و نوشیدنی نیست بلکه می‌توانند میعادگاهی دنج برای خودنمایی این ساکنان با آخرین مد لباس، گفتار و... باشند. به‌گونه‌ای که این فضاها سرو غذا از مظاهر مدرگرایی این طبقه شهری است. افرادی که به این فضاها پا می‌گذارند باید منحصربه‌فرد باشند و افراد سکونت‌گاه‌های غیررسمی به دلیل ضعف مالی و تفاوت‌های فرهنگی تمایلی به ورود به چنین تناثرهای نمایش‌های اجتماعی ندارند.



شکل ۸. فعالیت صرف غذا در رستوران

شکل ۷. فعالیت دیدار در رستوران

و برای طبقه غیررسمی همچنان فضای سنتی چون بازار نقش محوری و مهمی در فعالیت اجتماعی دارد. در این بازار همه‌سویه‌های زندگی، حیات اجتماعی و ارتباطات را به اشتراک گذاشته می‌گذارد. برای این ساکنان بازارها همچنان محل اطلاعات، شایعات، معاشرت‌های اجتماعی است که گاهی در آن جرعه روابط عاشقانه و ازدواج زده می‌شود. به وجود آمدن فروشگاه‌ها، پاساژها، بوتیک‌ها و... برای زنان سکونتگاه‌های رسمی فرصت‌های جدیدی را فراهم کرد. این مکان‌ها قلمرو فعالیتی شده‌اند که زنان می‌توانند در آن‌ها مصرف کنند و به‌تبع آن به حیطه زندگی خود تنوع و آزادی بدهند. فضاهای امن و تمیز برای نشستن، نوشیدن و گپ و گفت همچنین تماشایی مردم از خصوصیات این فضاهای جدید شهری برای زنان است. این مراکز مصرفی مختص زنان تا حدودی موجب محدود شدن و خالص‌سازی فضا برای زنان طبقه متوسط شهری شده است. همچنان فعالیت زنان سکونتگاه‌های غیررسمی در حیطه محل زندگی خود محصور مانده‌اند. هویت‌های چندگانه مرتبط با جنسیت و طبقه نشان می‌دهد که تجربه فردی زنان و مردان شهر رشت از جامعه نوشگرفا بسیار متفاوت است. این تقابل در قالب فضای خصوصی در مقابل عمومی به چالش کشیده شده است، فضای عمومی عمدتاً به مردان ساکنان غیررسمی (طبقه کارگر) نسبت داده می‌شود حال آنکه فضای خصوصی به زنان سکونتگاه‌های رسمی (طبقه متوسط) مرتبط است. در این شهر فضای خصوصی زنان زمانی رشد کرد که سرمایه‌داران به این فکر کردند که چگونه از توانمندی‌های زنان در مصرف فضا بهره ببرند. به همین منظور فضاهای

عمومی چون مجتمع‌های تجاری و خیابان‌ها را نظم دادند و در آن‌ها فضاهای خصوصی چون کافی‌شاپ‌ها را ایجاد کردند. رشد این فضاهای خصوصی آزادی بیشتری به زنان سکونتگاه‌های رسمی داده است. فرهنگ مصرفی در این فضا سنگ بنای این شکاف خصوصی/عمومی است. زنان طبقه متوسط در سکونتگاه‌های رسمی شهر رشت فضا مختص مردانه را به چالش می‌طلبند و با توانمندی‌های خود فضای جنسیتی شهر را نیز با گمنامی و فرصت‌های جدید به وجود آورده‌اند. اما باید توجه داشت این فضا تولید زنان جامعه نیست، بلکه تولید فروشندگانی است که به فروشگاه بی‌نظم و آشوب نظم داده و امر عمومی را برای زنان امن کردند. در واقع، موقعیت زنان در استفاده از فضا متناقض است. این موضوع بیش از هر چیز به طبقه بستگی دارد زنان مرفه طبقه متوسط در فضای اجتماعی احساس قدرت می‌کنند و زنان فقیر و وابسته مالی و اجتماعی احساس انزوا از فضاهای عمومی دارند. درک سنتی از اینکه مردان و زنان نقش‌های متفاوتی در جامعه بر عهده‌دارند باعث شده که مردان بیشتر روزمرگی خود را در بیرون و زنان در داخل خانه و اطراف آن بگذارند. این امر نشانگر یک تقسیم‌کار جنسیتی است که ضرورت‌های مکانی خصوصی/عمومی را برای ساکنان زن و مرد در پی داشته است. زنان سکونتگاه‌های رسمی از طریق قدم‌زدن در پارک‌ها، خیابان‌ها، میدان‌ها و فضاهای عمومی شهر احساس می‌کنند که می‌توانند از این طریق بخشی از بی‌قدرتی‌شان در جامعه را جبران کنند و از این طریق فرصت دیده‌شدن را به دست می‌آورند (شکل ۹ و ۱۰).



شکل ۱۰. قلیانسرا با فضای جنسیتی مردانه

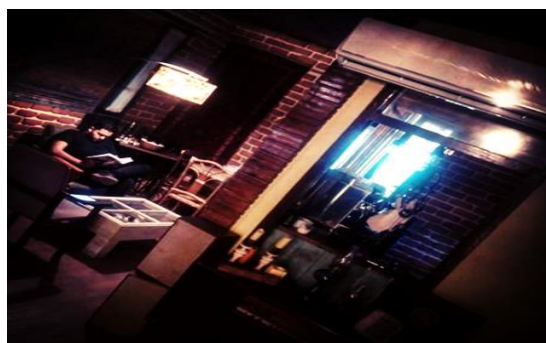


شکل ۹. کافی‌شاپ با فضای جنسیتی مختلط

در بین این دو گروه ساکنان رسمی و غیررسمی امکان «فردیت» در ارتباط با موضوع فعالیت اجتماعی مطرح است. هویت جمعی در بین ساکنان غیررسمی و هویت فردی در بین ساکنان رسمی پررنگ‌تر است. انتخاب فضاهای فعالیتی توسط ساکنان رسمی در جهت دیده نشدن است. درحالی‌که ساکنان رسمی به‌غیراز برخی جوانان در موارد کنترل فضایی که در ادامه از آن بحث خواهیم کرد ترجیح به دیده شدن است. فضاهای مدرن برای ساکنان رسمی جایی برای دیده نشدن و خلوتی در میان جمع هستند. پنهان شدن از دید عموم، دنج بودن و رفتن به فضایی خصوصی‌تر در دل فضای عمومی از مهم‌ترین ویژگی‌های فضاهای مدرن ساکنان رسمی در مقابل فضای سنتی جمعی ساکنان غیررسمی است. حال آنکه فضای سنتی ساکنان غیررسمی جای دیدن و دیده شدن است. کافی‌شاپ‌ها فضای پوشیده‌تر، امن‌تر برای روابط صمیمی، عاطفی و رمانتیک ساکنان رسمی است. فضای سایه‌روشن کافی‌شاپ‌ها امکان نسبی ناشناخته ماندن را به ساکنان رسمی می‌دهد و برای دختران و پسران دو گروه این فضاها از پرسه زدن در خیابان‌ها امن‌تر است. اما کافه‌های ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی یک فضای گفت‌وگوی اجتماعی را فراهم می‌کنند و بیشتر چندنفره است تا دونفره. کافه‌ها فضایی نوستالژیک است. همچنین چایی‌خانه‌ها، قلیان‌سراها و... در محلات سکونتگاه‌های غیررسمی هویت جمعی اجتماعی دارند، و مکان مناسبی برای قرار گرفتن در بطن اجتماع محلی محسوب می‌شوند. برخی این دسته مکان‌ها، پاتوق عده‌ای خاص-گروه سنی خاص- می‌شوند. گروه‌ها و افراد و انگیزه‌ها پاتوق‌ها را شکل می‌دهند (شکل ۱۱ و ۱۲).



شکل ۱۲. فضای عمومی دیدن و دیده شدن



شکل ۱۱. فضای عمومی دیده نشدن

همچنین فعالیت ساکنان رسمی و غیررسمی تحت کنترل شهری قرار دارد. دیدگاه کنترل رسمی (پلیسی) در ارتباط با ساکنان غیررسمی مجرم بودن است؛ ولی برای ساکنان رسمی پلیس به عنوان حافظ محل فعالیت آنان است. این مناقشه در مفهوم امنیت و جرائم شهری همراه با تشدید ابزار انضباطی در مناطق سکونتگاه‌های رسمی است (شکل ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶). در اینجا، طبقه مرفه شهری با همکاری شرکت‌های خصوصی زیر نظر بخش دولتی چون موسسه مجریان نظم گیل ترجیح داده‌اند در ناحیه محصور شده تحت مراقبت و ملاحظات امنیتی زندگی و کار کنند. این تلاش برای تراکم زدایی از فضای شهری باعث نوعی از شهرنشینی «دژ مانند» پارائوتیک شده است. که با نگهداری خیابانی، مانع کشی و دوربین امنیتی و ... موجبات محیطی همگن، منظم و آرایش شده را برای کسانی شکل گرفته که برای خدمات و امکانات تخصصی پول هزینه می‌کنند. آنچه جایگزین این کنترل رسمی در سکونتگاه‌های غیررسمی می‌شود کنترل غیراجتماعی مبتنی بر نظارت بخش پلیسی شهر است. در این رابطه کنترل فضا توسط نهادهای انتظامی چون پلیس موجب رونق استفاده از فضاهای خصوصی مدرنی چون کافی‌شاپ‌ها در فعالیتهای اجتماعی جوانان سکونتگاه‌های غیررسمی در منطقه بالا شهر شده است.



شکل ۱۴. محل استقراء نگهداران محله



شکل ۱۳. نگهداران کوچه



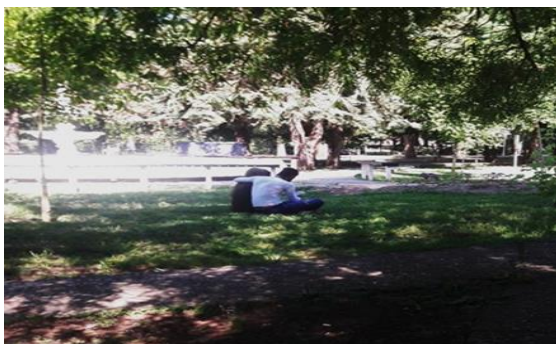
شکل ۱۶. سیستم دوربین کنترل و آیفون تصویری



شکل ۱۵. مانع عبور خودروهای متفرقه

به غیر از کنترل رسمی (پلیسی) آنچه جامعه جوانان سکونتگاه‌های غیررسمی از فضای سکونت خود گریزان می‌کند؛ کنترل غیررسمی (اجتماعی) است. گمنامی و هیجان حاکم بر شهرها عامل مهمی سر پیچی از قوانین حاکم برای جوانان شهری بخصوص

در طبقه ضعیف شهری است. در همین راستا برخی از آنان تلاش می‌کنند تا با حضور در مکان‌های عمومی خلوت خود را از ابزار فشار کنترل غیررسمی دور کنند. با این کنترل‌های اجتماعی و پلیسی جوانان سکونتگاهی غیررسمی معمولاً از فضای زندگی خود طرد می‌شوند؛ و به فعالیتشان به محدوده جداگانه رانده می‌شود. برای این جوانان تحت کنترل که معمولاً درآمد پایینی برای استفاده از فضاهای خصوصی چون کافه طبقه متوسط را دارند، فضاهای خلوت جایگزینی چون پارک برای فرار از این کنترل‌ها تعریف می‌یابد (شکل ۱۷ و ۱۸). این جوانان با حرکت در فضاها و انتخاب قرارگاه‌های پنهان و خلوت می‌کوشند فضای شهری را دوباره به تصرف خود دریاورند. در واقع، در ارتباط با کنترل رسمی و غیررسمی فضاهای جوانان سکونتگاه‌های غیررسمی دچار محدودیت‌ها است. و برای برخی که درآمد بهتری دارند در طول هفته در فضاهای خصوصی سوق داده می‌شوند. جوانانی که به دلیل حاکمیت نگاه جرم نگارانه به مکان و رفتارشان، همچون مجرمان از مکانی به مکان دیگری نقل مکان می‌کنند.



شکل ۱۸. قرار عاشقانه در فضای عمومی



شکل ۱۷. قرار دوستانه در فضای عمومی

برای خرده فرهنگ های -جوانان- ساکنان رسمی هیجان ماشین‌سواری‌های تفریحی، ورزش و تناسب‌اندام و توجه به زیبایی همه جریانات و روابط اجتماعی متفاوتی را در فضا نسبت به ساکنان غیررسمی تعریف می‌کند (شکل ۱۹ و ۲۰). مد، موسیقی، غذا، لباس، نوشیدنی، تفریحات مهیج، ورزش‌ها و آموزش‌های تخصصی و ... ویژگی جامعه جوانان است که در راستای ایجاد تصور و نشانه برای دیگران از طبقه فرد صورت می‌گیرد. مدسازی شخصی بدن جسمانی و ساختار رفتاری نمادین در حقیقت مکانی جدید را برای فعالیت می‌طلبد که پیش از آن ضرورت نداشت. سبک‌های زندگی مدیریت بدن است که هدف از انجام آن کسب منزلت، ایجاد تمایز بین خود و دیگران و نشان دادن پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتر است تا برتری خود را نسبت به دیگران نشان دهند. در عوض خرده فرهنگ های -جوانان- ساکنان غیر رسمی با بیکاری و وابستگی به ارتکاب جرائم گره خورده است. این جوانان طرد شده گزینه‌های بیشتری برای فعالیت آشوبگرانه در فضاهای شهری دارند.



شکل ۲۰. خودرو لوکس با توانایی سرعت بالا

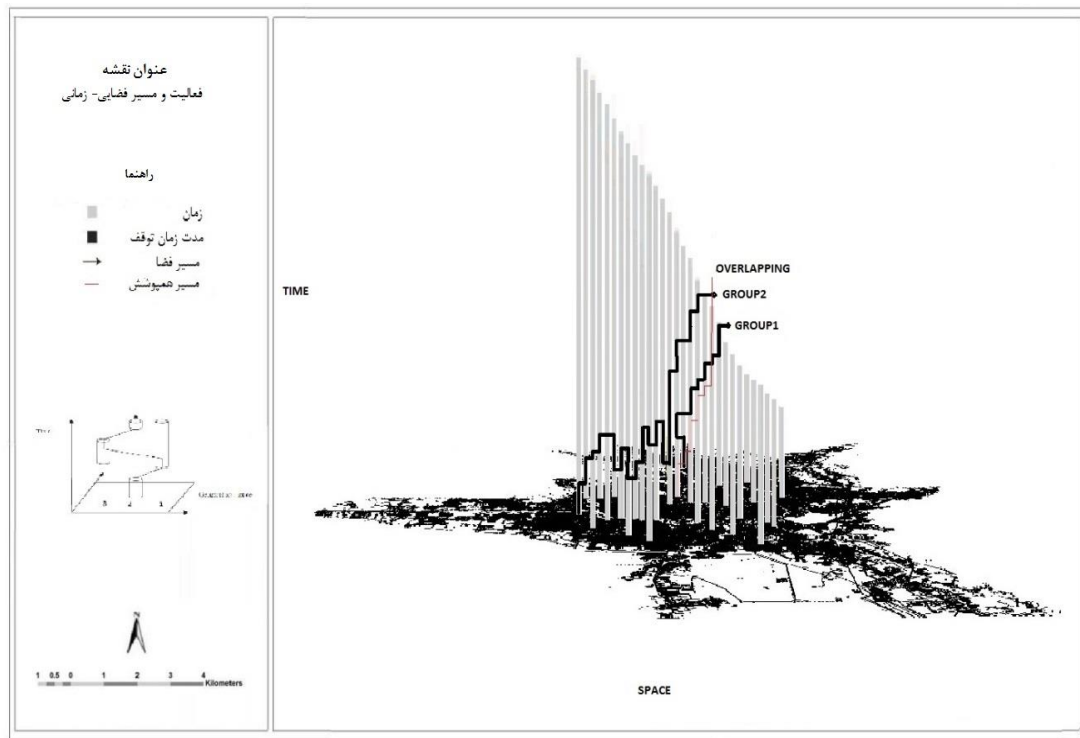


شکل ۱۹. فعالیت ورزشی در فضای عمومی

نتایج تحلیل نقشه ذهنی فعالیت فضایی-زمانی شهر رشت در بین دو گروه ساکنان رسمی و غیررسمی در شکل ۲۱ به نمایش گذاشته شده است. و نقطه مشترک فعالیت فضایی-زمانی این ساکنان در بعد فضای سوم نشان داده شده است که چگونه فعالیت این دو گروه در فضای شهر رشت به وقوع پیوسته است. با توجه به نقشه بر اساس بعد فضایی-زمانی فعالیت ساکنان از حاشیه به مرکز شهر کشش دارد. به گونه‌ای که طبق یافته‌های فعالیت فضایی دو طبقه شهری متناسب با مکان خاص در زمان بخصوص خود



شکل می گیرد. که این فعالیت ها با دو حرکت از حاشیه به مرکز از زمان آغاز فعالیت در هنگام طلوع خورشید تا غروب صورت گرفته است.



۲۱. الگوی نهایی نقشه برداری ذهنی از فضای سوم - زیسته ساکنان شهر رشت

## نتیجه گیری

استدلالی که می توان در تحلیل فضای سوم از نقشه ذهنی ساکنان شهر رشت مطرح کرد این است که شاید اولین و بدیهی ترین اهمیت موضوع، این واقعیت باشد که گسترش نقش و جایگاه طبقه شهری در «تولید اجتماعی فضا» در دهه های اخیر مناقشه برانگیز و مساله آفرین بوده است. در شهرها انواع فضاهای اجتماعی وجود دارد در زندگی هر شهروند یک یا چند فضا به حیات خود ادامه می دهد، آنچه از فضای شهر رشت باقی مانده، تقسیم شهر به دو قطب طبقه برخوردار و طبقه محروم شهری بوده است که تحت تأثیر آن بسیاری از خدمات اجتماعی از شهرها حذف شدند و خدمات جدید جایگزین گشته است. فضای سوم شهر رشت نشان دهنده دوگانگی موجود در جامعه آن است که در تمام محورهای زندگی آن رسوخ کرده است، این دوگانگی به طور کلی در اکثر فعالیت های ساکنان در ارتباط با فضای ذهنی آنان از شهر به چشم می خورد. فضاهای چون کافی شاپ ها به مکان جذاب برای معاشرت پذیری و ارتباط طبقه متوسط ساکنان رسمی شهری تبدیل شده است. که به مشتریان خود امکان خود ابرازی و جستجوی سبک جدید زندگی می دهند. این فضاهای مدرن دارای ارزش های محوری بر فراغت، سرگرمی و مصرف هستند. افزایش این فضاها در شهر رشت را می توان برآمده از پاسخگویی این طبقه به نیازهای ارتباطی-اجتماعی دانست که نتیجه تغییر در نیازها، سبک ها و الگوهای ارتباطی این دسته ساکنان شهر است. مواجهه بیشتر با فرهنگ رسانه ای و استقلال طلبی بخصوص جوانان محلی برای جستجوی فضای سوم در نقشه ذهنی ساکنان رسمی جهت تأمین این نیازها مهیا کرده است. در واقع؛ این فضاهای جدید نشان دهنده نو شدن نقشه ذهنی شهر تحت تأثیر تغییر مناسبات اجتماعی فرهنگی طبقه مسلط شهری هستند. در نقشه های ذهنی فضاهای فعالیت اجتماعی پیش از مدرنیته عبارت بودند از اماکن مذهبی، مثل مساجد، زیارتگاه ها، بازار، مدارس، گذرهای عمومی و ... اما با برآمدن مدرنیته این فضاها دچار دگرگونی های شگرفی شدند. در این دوره فضاهای عمومی با عملکردهای

جدیدی همچون تماشاخانه، سینما، چاپخانه، هتل، مغازه‌هایی به سبک فرنگی و غیره به نقشه ذهنی شهر اضافه شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد برخی از کافی‌شاپ‌های مدرن فعالیت تفریحی زنان و مردان جوان را در قسمت شمالی شهر جذب می‌کنند. فعالیت اجتماعی در فضاهای سنتی-مدرن نیز در شهر دیده می‌شوند. فضاهایی که مثلاً برای ساکنان غیررسمی قهوه‌خانه و ساکنان رسمی دیگر کافه هستند. در این زمینه، درعین‌حال که در بخش‌های جدید شهر رشت و به‌ویژه در منطقه‌ی ویژه‌ای فضای سوم جدید وجود دارد؛ در بخش‌های سنتی شهر، هنوز فضاهای سنتی در نقشه‌ها نمایان هستند و در برخی موارد این دو فضا باهم ترکیب شده‌اند. شاید بتوان مهم‌ترین تفاوت فضای سوم این دو گروه را امکان «فردیت» دانست. هویت جمعی در بین ساکنان غیررسمی و هویت فردی در بین ساکنان رسمی پررنگ‌تر است. علاوه بر این، رفتار جمعی ساکنان غیررسمی، در برخی موارد، فضای جنسیتی است؛ به‌گونه‌ای که برخی فضاهای سوم چون چاپخانه‌ها مخصوص مردان شده است. همچنین در اینجا می‌توان گفت، با بازسازی فضای جدید ساکنان غیررسمی که استطاعت مالی ندارند تا به روند نوسازی شهر بپیوندند، طرد شدند. در نقشه‌های ساکنان رسمی بولوارهای جدید، در نش خیابان‌ها و نقاط گره‌گامی جای گرفتند و به‌تدریج همراه با بولوارها، مغازه‌ها برای آنان جذاب شدند. این فضاها در بسیاری از مواقع یگانگی خود را برای مصرف‌کنندگان حفظ کردند و در هیچ جای دیگری تکرار نشدند. ساکنان رسمی در حکم خریدار وارد این فضاهای جدید می‌شوند. و جنس تجربه‌ی این فضاها و برخی ملزومات همراه آن سبب می‌شود که بسیاری از آن‌ها به فضاهایی خاطره‌انگیز و به‌یادماندنی زیسته برای آنان تبدیل شوند. قرار عاشقانه، گپ‌زنی دوستانه، تماشای دسته‌جمعی مسابقه‌ای، شرکت در جشن تولد و یا دیگر تجربه‌های عمیق و اثرگذار، همگی فضای سوم ساکنان رسمی را از دیگر فضاهای زیسته سنتی ساکنان غیررسمی متمایز می‌کنند. فضاهای مدرن برای ساکنان رسمی جایی برای دیده نشدن و خلوتی در میان جمع هستند. پنهان شدن از دید عموم، دنج بودن و رفتن به فضایی خصوصی‌تر در دل فضای عمومی از مهم‌ترین ویژگی‌های فضاهای مدرن ساکنان رسمی در مقابل فضای سنتی جمعی ساکنان غیررسمی است. حال آنکه فضای سنتی ساکنان غیررسمی جای «دیدن و دیده شدن» است. به همین منظور برخی فضاها در نقشه‌های ذهنی شهر، پاتوق عده‌ای خاص می‌شوند. گروه‌ها و افراد و انگیزه‌ها پاتوق‌ها را شکل می‌دهند. اهمیت شکل‌گیری چنین فضاهایی به نبود فضای مدنی در بطن جامعه بازمی‌گردد و همین است که آن‌ها را خاص و یگانه می‌کند. جایی که فرد می‌تواند آرامش داشته باشد و درعین‌حال نوعی زندگی اجتماعی را تجربه کند. از این‌رو یادآوری فضاهایی مدرن همچون خیابان، کافه و هتل جنبه‌ی دیگری هم دارد. این فضاها بخشی از خاطرات جمعی شهر و تجارب اجتماعی افراد را در خود جا می‌دهند. درواقع، می‌توان به چنین مکان‌هایی همچون بهانه‌ای برای انباشت خاطرات و تجارب جمعی نگریست. این فضاها در کنار سایر نشانه‌ها و نمادهای شهری، عنصری کلیدی در حفظ و امتداد روند خاطرات جمعی هستند. مکانی که در میان پویایی شهر برخی یادها را در خود گیر می‌اندازد و نگه می‌دارد. در پایان می‌توان گفت در فضای مدرن کنش و رفتار انسانی در محیط وجهی مکانیکی، از خودبیگانه و بی‌روح شده است. انسان در زندگی روزمره توسط داشته‌ها و نیازهایش احاطه شده است. و پیامدهای منفی در فضای شهری برای طبقه رسمی از خودبیگانگی و طبقه غیررسمی بهره‌کشی بوده است.

## منابع

- Aberley, D. (1993). *Boundaries of home: Mapping for local empowerment* (Vol. 6). Philadelphia: New Society Publishers.
- Al-Kodmany, K. (2002). Visualization tools and methods in community planning: From freehand sketches to virtual reality. *Journal of Planning Literature* 17 (2): 189-211.
- Bagheri, Nazgol. (2014). Mapping women in Tehran's public spaces: a geo-visualization perspective, *Gender, Place and Culture*, 21:10, 1285-130.
- Bhabha, Homi K. (2004). *The Location of Culture*. Abingdon: Routledge. p. 55.
- Carp, Jana (2008) "Ground-Truthing" Representations of Social Space: Using Lefebvre's Conceptual Triad, *Journal of Planning Education and Research*, 28(2), 129-142.
- Ceccato, V. A. and F. Snickars. (2000): Adapting GIS technology to the needs of local planning. *Environment and Planning B* 27:923-37.

- Cieri, M. (2003). Between being and looking: Queer tourism promotion and lesbian social space in Greater Philadelphia. *ACME: An International E-Journal for Critical Geographies* 2 (2): 147–66.
- Coulton, C., C. Tsui, and K. Mikelbank. (2011). Finding place in community change initiatives: Using GIS to uncover resident perceptions of their neighborhoods. *Journal of Community Practice* 19(1), 10–28.
- Crampton J and Krygier J (2006). An introduction to critical cartography. *ACME: An International E-Journal for Critical Geographies* 4 (1): 11–33.
- Csapó, Tamás, András, Balogh. (2011). *Development of the Settlement Network in the Central European Countries, Past, Present, and Future*, Springer Science and Business Media, Mehr 16, 1390 AP – Political Science.
- Damayanti, R. and Kossak, F. (2016). Extending Kevin Lynch's concept of imageability in third space reading; case study of Kampung, Surabaya–Indonesia. *A|Z ITU Journal of the Faculty of Architecture*, 13 (1). pp. 57-67. ISSN 1302-8324.
- Daneshpour, Seyed Abdolhadi, Salaripour, Aliakbar, (2017). Prioritizing Strategic Alternative for Improvement of Neighborhood Attachment Using Qf Process (Case Study: Golsar District, Rasht City), *Journal of The Studies of Human Settlements Planning*, 12(1) (38), 119 - 137. (In Persian).
- Ding, Guoxiang. & Kwan, Mei-Po. (2006): *3D-VQGIS: 3D Visualization and Qualitative Analysis of Geospatial Data*, Department of Geography, the Ohio State University.
- Doran, B. and B. Lees. (2005): Investigating the spatiotemporal links between disorder, crime, and the fear of crime. *The Professional Geographer* 57:1–12.
- Greene, M., Mora, R., & Berrios, E. (2011). Original and new inhabitants in three traditional neighbourhoods: a case of urban renewal in Santiago de Chile. *Built Environment*, 37 (2), 183-198.
- Haney, W. G. and E. S. Knowles. (1978): Perception of neighbourhoods by city and suburban residents. *Human Ecology* 6:201–14.
- Harris, T., and D. Weiner. (1998): Empowerment, marginalization, and “community-integrated” GIS. *Cartography and Geographic Information Systems* 25 (2): 67–76.
- Karan, P. P. Bladen, W. A, Singh .G. (1980): Slum Dwellers' and Squatters' Images of the City, *Environment and Behavior*, Volume: 12 issue: 1, page(s): 81-100 Issue published: March 1, 1980 , 12 (1), 81-100.
- Knigge, L. and Cope, M. (2006): Grounded visualization: integrating the analysis of qualitative and quantitative data through grounded theory and visualization. *Environment and Planning A*, 38, 2021–2037.
- Kohm, S. A. (2009): Spatial dimensions of fear in a highcrime community: Fear of crime or fear of disorder? 1. *Canadian Journal of Criminology and Criminal Justice/La Revue canadienne de criminology et de justice penale* 51 (1): 1–30.
- Kwan, M.-P. (2008). From oral histories to visual narratives: Representing the post-September 11 experiences of the Muslim women in the United States. *Social and Cultural Geography* 9:653–59.
- Kwan, Mei-Po. Richardson, Douglas. Wang, Donggen. Zhou, Chenghu. (2015) *Space-Time Integration in Geography and GIScience*, Springer Dordrecht Heidelberg, New York London
- Ladd, F. C. (1970): ‘Black youths view their environment: neighbourhood maps’, *Environment and Behaviour*, 2, 64–79.
- Lee, T. (1968). Urban neighbourhood as sociospatial schema. *Human Relations* 21:241–67.
- Lefebvre, Henri. (1991): *The Production of Space*. Oxford: Blackwell Publishers.
- Lynch, K. (1960): *The Image of the City*, Cambridge, MA: MIT Press.
- Maanen ,Henk-Jan van, Smit, Ingram (2012) *Third space*, Geography–Ruhosting.nl.
- Massoud, M., Haghvardiyan, F. (2012). The role of social capital on the empowerment of informal settlements (Case study: Aynak pool neighborhood in Rasht). *Journal of The Studies of Human Settlements Planning*, 7 (18), 128-140. (In Persian)

- Matei, S. Ball-Rokeach, S. J. and Qui, J. L. (2001): Fear and misperception of Los Angeles urban space: A Spatial-statistical study of communication-shaped mental maps. *Communication Research*, 28(4), 429-463.
- Maurer, R. and Baxter, J. C. (1972): Images of the neighborhood and city among black-, Anglo-, and Mexican-American children. *Environment and Behavior*, 4(4), pp. 351-388.
- Mazer, Katie M, Rankin, Katharine N. (2011). The social space of gentrification: the politics of neighbourhood accessibility in Toronto's Downtown West, *Environment and Planning D: Society and Space*, 29, 822-839.
- Merrifield, A., (2006), Henri Lefebvre: A critical introduction. Taylor & Francis.
- Miller, Harvey J. (2017). Time Geography and Space-Time Prism, *The International Encyclopedia of Geography*. Edited by Douglas Richardson, Noel Castree, Michael F. Goodchild, Audrey Kobayashi, Weidong Liu, and Richard A. Marston, John Wiley & Sons, Ltd.
- Niem Tu, H., Doherty, S. and Sharpe, B. (2010). Gender differences in the sketch map creation process. *Journal of Maps* 6:270-88.
- Pavlovskaya, M. (2002). Mapping urban change and changing GIS: Other views of economic restructuring. *Gender, Place and Culture* 9 (3): 281-89.
- Peuquet, D.J. (2002). Separation of "What," "Where," and "When" Knowledge, *Representations of Space and Time*: New York, The Guilford Press, p. 196-205.
- Pour Aghaei, Abdullah, 2006, The causes of informal settlement formation in Rasht and its organizing solutions, *Journal of The Studies of Human Settlements Planning*, 2, 45-66. (In Persian)
- Rokhsari, Hamid, Jafari Mehrabadi, Maryam, Hataminejad, Hossein (2019). Mental Mapping of the First-material Urban Space, A Comparative Study of the Residents of Formal and Informal Settlements in the City of Rasht. *Geographical Urban Planning Research*, 7(1), 83-110. (In Persian)
- Schmid, Space, Difference, *Everyday Life (Reading Henri Lefebvre)*, pp.39-40
- Soja, E. (1996): *Thirdspace: Journeys to Los Angeles and Other Real-and-Imagined Places*. Oxford: Basil Blackwell.
- Teelucksingh, Cheryl (2002). Spatiality and Environmental Justice in Parkdale (Toronto) An article of the journal *Ethnologies* Volume24, Issue1, p. 119-141.
- Thrift, N. (2003). Space: The Fundamental Stuff of Human Geography. In Sarah L. Hollaway; Stephen P. Rice; Gill Valentine., *Key Concept in Geography*. London; SAGE. pp. 95-107.
- Watkins, C. (2005) Representations of Space, Spatial Practices and Spaces of Representation: An Application of Lefebvre's Spatial Triad, *Culture and Organization*, 11:3, 209-220.
- Worms, Jamie Lauren. (2014): *Mental Mapping the Transformation of Social Space in Rio's Oldest Favela: Morro da Providência*, LSU Doctoral Dissertations, 1627.
- Yasuri, Majid, Visi, Reza, Saba Kar, Mojgan, Mohammadi, Maryam. (2015). Investigating the Role of Physical Expansion of Rasht City in Creating Change Margin Land Use. *Journal of The Studies of Human Settlements Planning*, 10 (30), 99-112. (In Persian).
- Zieleniec, A. J., 2007, *Space and social theory*. Sage.